

اصلاحات ارضی اسلامی:



وثیقه‌ای نامعتبر برای ادامه حیات رژیم

آسیاتی در جامعه روستایی ایران را یکی از میان نمیرود. (برای آشنائی با مسأله اصلاحات مربوط به نظام فئودالی و شیوهی تولید آسیاتی در ایران مراجعه کنید به مقدمه م. ن. بر "فراسویهای اقتصادی ماضی سرمایه داری" نوشتهی مارش و مقالات گروه اتحاد کمونیستی در دفتر این گروهی نیجانم. بی گروه اتحاد کمونیستی و سفیفا)

در شماره قبل (رهائی ۱۰۸) به دلایل سیاسی شان نزول "احکام ثانویه" از جانب امام جمعیان و توسل رژیم جمهوری اسلامی به اصلاحات ضد انقلابی با بهترین رژیم برای انداختن مایه‌های در اصلاحات اشاره کردیم. و این اصلاحات را با اصلاحات آریامیری مقایسه و تفاوت‌های سیاسی - اقتصادی - اجتماعی زمانی و مشخصات اصلاحات آریامیری را با اصلاحات فقه اعظم برنمودیم. در این شماره و شماره های بعد به تحلیل و فصل تر اصلاحات ارضی اسلامی و معنای واقعی آن خواهیم پرداخت.



مانند با صدور برای انقلاب. زمینهای کشاورزی ایران، بعد از چهارگروه محسوب میشود. ۱. زمینهای موات که بدون صاحب بنام میمانند. ۲. زمینها و باغات و مزارع و... صادره ای نظیر بر آن دسترس از زمینهای کشاورزی میباشند که بر اساس معیارهای اسلامی نظام جمهوری از راههای نامشروع بدست آمده اند. برخلاف آنچه که ملحقین نیز امروز توجیه راست قصد تحویل آنها دارند ضابطه ای مشروع بودن یا ضابطه ای اثبات سرمایه و صاحب زمین از طریق اشتغال زحمتکاران روستاها همچون ممتداتی ندارد. آنکه "بویو شرحه می خود را برداشته است. بدون توجه به بیائی که در شکل سالیان دراز روستاییان زجر کشیده و پشت خمیده این سرزمین برای آن برداشته اند. ضابطه بندی نشده و محسوب. در این باره دلایلی بعدا ارائه خواهیم کرد.

بعد از گفتگوها و معادلات فراوان و حتی کشاکش و تنازعات، چه در درون حاکمیت و چه در میان نیروهای اجزایین، اینک تقریباً میتوان گفت که رژیم جمهوری اسلامی به سوی یک سیاست "شخص ارضی کشانیده" مینهد. قلاً یا آوری و نه نکه نهایت ضرورت را دارد. نخست آنکه شخص شدن چنین سیاستی هرگز به معنای مطلق جا افتادن یک شیوهی خاص و در ارتباط مبین با مجموعه ای مملکتی ها و برنامه های نظام حاکم نیست. تنها اشکلی ها و گنج سرمایه گذار است که در زیر فشار نیروهای طبقاتی و نهادهای کار میبرد. دوم آنکه بیرون آمدن یک گرایش غالب در سیاست ارضی از پس غبار اوهام و ناراستیها، ناشی از تثبیت عمومی رژیم نیستند برعکس فرار است که این گرایش از سوی حاکمان واقعی، در صورت امکان به عنوان ابزاری برای سرمایه داری دادن و تثبیت رژیم در هم شکسته نگار بود.

* منطبق بر زمینهای است که باقی مانده و دارای مالک میباشد. این زمینها از حیث کشاورزی بطور کلی "موقوف" تر از زمینهای مورد نظر بند "الف" میباشد. چرا که بهر حال تحت مالکیت قرار گرفته اند. لیکن، بحالت غیر اقتصادی بودن کشت، بنابه دلایل توانایی و عمدتاً بدلیل کم آبی، این زمینها بصورت بایر باقی مانده اند. بدین ترتیب حاصل جمع زمینهای بندهای "الف" و "ب" هرچقدر هم که زیاد باشد از حیث ناشوری که بر سطح کل تولید کشاورزی دارند در مقابل زمینهای مربوط به بند "ب" ناچیز جلوه میکند. حتی زمینهای مربوط به بند "ب" نیز در حدکی از کل زمینهای زیر کشت را تشکیل میدهند. در عمل، در شرایط موجود، قسمت عمده ای از زمینهای مربوط به بند "ب" (شاید حدود ۶۰-۷۰٪ در حد این نوع زمینها) در آینده ای نزدیک بحال فنی و اقتصادی اساساً امکان کشت ندارند، گرچه در صورت تقسیم زمین در چهارچوب کشت سنتی خانوار برخلاف کشت سرمایه داری، قسمت کمی از این زمینها میتواند ضابطه ای اقتصادی بودن را متحقق کند. اما زمینهای مربوط به بند "ب"، کلاً عبارت از زمینهای هستند که در حال حاضر زیر کشت صورت. این زمینها امروز دارای ارزش مبادله بوده

لازمی ارضی که در حدود یک سال و نیم پیش به تصویب شورای انقلاب رسید، تا به امروز علاوه جز چند ماده قانونی خشک و خالی بر روی کاغذ نمانده است. تفاوت عمده ای لایحه شورای انقلاب با طرح اصلاحات ارضی پیشین، موضوع به طرح رضا اصفهانی، از زمین رفتن جنبه غالب کشت شاعی و ایجاد زمینه های قویتر برای دفاع از مالکیت و زمینداری شروع میباشد. لایحه بعدی از اساس بدنهال عقب نشینی های در پی در مقابل جناحهای طرفدار مالکیت شروع ارضی، مالکین و وابستگان آنها و پیوسته روحانیت متعلق به تفکرات سلطه فئودالی شکل گرفت. در مقابل طرح قبلی که مایه اش گرایش ها و فشارهای برخی جناحهای مذهبی - روشنفکری را بدنهال کرده بود، طرح شورای انقلاب، آشکارا نوحی حمایت از مالکین به حساب میاید. گرچه به موجب اصل طرح امکان بزرگ مالک ظاهر اطنی شده بود، شرایط کلی نظام ارضی و واقعیتهای زندگی، امکان برقراری بزرگ مالک، و حتی اعاده شرایطی از نظام تولید فئودالی خاص منتج از شیوهی تولید

و از زمانیکه ضایعات سرمایه داری در روستا های گسترش یافته و نتوانسته بصورت يك کالا وارد دایره مبادلات بازار گردیده و خرید و فروششان رواج یافته است. در اختیار داشتن چنین زمینهای ، بخوبی که بتواند ششاه تولید به مقیاس کافی بسترای تامین معاش سالانه يك خانوار روستایی باشد نیاز به منابع مالی نسبتا (نسبت به متوسط تشکیل سرمایه سرانه بخش روستایی) زیادی دارد .

اگر در يك محاسبه ساده و نمونه وار ، خانوار روستایی مجموع کشتی معادل ۵ تن گندم داشته باشد ارزش ریالی تولید او معادل $25000 \times 5 = 125000$ ریال خواهد بود که با فرض ۵ نفر اعضای خانوار ، تولید سرانه (بخش عمده ای از مصرف سرانه ای خانوار) معادل ۲۵۰۰۰ ریال خواهد بود . بهر صورت با فرض قبول ۱۰ درصد نرخ بهره ارزش سرمایه و دستمزد برای تولید فوق باید معادل $1/250/000$ ریال $(125000 \times 10\%)$ یا ۱۲۵ هزار تومان باشد . اگر نتیجه داشته باشیم که نیروی کار در کشت سنتی گندم نسبتا پائین است (تقریبا ۴۰ روز در سال) و سرمایه ی فراوانی نیز بکار نرود ، در اینصورت رقم بالا میآید به مقدار زیادی ضحکس کننده ای ارزش زمین (در اینجا زمین کشت آبی و لذا زمین + آب مورد نظر است) باشد . همین در مقایسه با انواع زمینهای زیر کشت ، این نتیجه نیز به راحتی بدست میآید که زمینهای بند ز (که در لایحه اصلاحات ارضی اسلامی ، بحث و تقسیم آن به این زوایا ، در میان نیست) ، بعلاوه موقعیت نسبتا خوبی که دارند ، دارای "رانت" (بخشی از ارزش تولید بر روی زمین که به خودی خود ناشی از موقعیت زمین است) زیاد بوده و از تاسیسات (مانند جاده و موتور و پمپ) و آب و زهکشی پر هزینه ای برخوردار هستند . طرح این جنبه از مسئله در بخشی که بعدا خواهیم داشت بکارمان میآید .

رساله های آیات عظام آمده است. وابستگی به رژیم سابق از نظر کمی قابل اندازه گیری نیست که گفته شود مثلا رضی بین صفر تا ۱۰۰ را انتخاب میکند و اگر از ۵۰ تجاوز کرد انگ و وابستگی دارد ، و الا خیر . فلان مالک که سابقا زنا و قمار و غیره ندارد و رابطه نیکویی با ملای ده برقرار کرده و سهم امام را به یکی از آیات عظام پرداخته و سابقه خوش خدمتی به اسلام دارد ، هر چند هم که از ضایع اختیارات کشاورزی بیرون باشد و نا عادلانه سود برده و هدتهای جدید از حاصل استثمار کارگران روستایی و دهقانان زندگی کرده باشد ، حتی شانس قرار گرفتن در بند را خواهد داشت . بهر حال پرداخت " وجوه شرعیه و اشتیاق به سلطنت ، خنثی کننده بسیاری از وابستگی ها هم تواند بود و این امر نیاز به اشیاء و اراضی نمونه ندارد و در واقع نه تنها عینک نزدیک به سه سال حاکمیت از جنبه لغو بسیاری از احکام صادره توسط داستان گل انقلاب اسلامی قدوسی - بلکه همین ماهیت اعتقادی و فکری سرطاران رژیم به وضوح این امر را گواهی میکند . خلاصه اینکه " لایحه اصلاحات ارضی اسلامی " نه تنها در صورت اجرای بند " ج " بلکه حتی در مطلوب بقیه در صفحه ۹

ایران و ...

پایینشال تا یاز در اول سپتامبر ۸۱ پس از اشاره به اقدامها و تیرها و سر در خطر بودن حیات خمینی و تاسف از مرگ بهشتی ، روفوردین " بازمانگان اپوزیسیون میانه رو به معاهدین در اثر سرکوب قشرین " ، می نویسد :

" جنگ قدرت میان دولت و دشمنان خانگی ، در عین حال موجب شد فاست که دولت نتواند به سایر مشکلات اساسی کشور بپردازد . جنگ با عراق هنوز ادامه دارد و بسیار هم واقعی است . . . درآمد نفت بدلیل بالا بودن قیمت نفت خام ایران پائین میآید و بسیاری از قراردادها باید در ظرف دو سه ماه آینده تجدید شوند . همه این عوامل منکسبت موجب شوند که بسیاری از هیوان غرب آرزو کنند که انقلاب اسلامی بالاخره در اثر مبارزه ی گروههای سیاسی و هرج و مرج ، سقوط کند . اما در عین حال نباید فراموش کرد که معاهدین در گردن کشی سال ۱۹۷۹ دست داشتند و نفرت شان از غرب خیلی بیشتر از هیوان کونی جمهوری اسلامی است . . . ایران هنوز هم قدرتمندترین کشور خلیج فارس است و به آسانی میتواند موضع دومین صادر کننده نفت جهان (پس از عربستان) را در باره بدست آورد . اما نتیجه ی مبارزه ی وحشیانه قدرت هر چه باشد بنظر تصور من در کوتاه مدت وضعی بوجود آید که برای غرب بر رژیم کونی ایران رجحان داشته باشد . " (بنقل از " ایران شپهر " دوره سوم ، شماره مسلسل ۱۰۳)

مقایسه ۱۲۵ هزار تومان فوق با مثلا ارزش سرقطی يك معازه در يك محله ی پائین تر از متوسط رقم مطلقا پائینی نیست . در حالیکه وجود سطح مصرفی نه چندان بالا برای دهقانی که بر روی آن کار میکند خواهد بود .

خلاصه اینکه بیش از ۸۰ درصد از زمینهای تقسیم شدنی در بند " د " که فعلا حرف تقسیم آنها در میان نیست و یا لاقط به این زوایا انجام نخواهد گرفت قرار دارد . بنابراین توقف بند " د " به معنای چیزی جز توقف واقعی " لایحه اصلاحات ارضی اسلامی " نبوده و نیست .

در همین جا لازم است اشاره کنیم زمینهای بند " د " مشمول صادره های بند " ب " میشوند . صاحبان آنها بنا به تعریف از وسایل غیر ضروری سود نبسته اند . قمار باز ، رشوه خوار و مرج صادره و فتنه و وابسته ی ستقیم به دولت و دربار شاه و سازمانهای امنیتی آن به شمار نمیآیند . تشخیص اینکه فلان زمین کشاورزی در بند " ب " یا " د " قرار میگیرد بر اساس ضوابط مربوط به شرح مقدس اسلام به عمل میآید . معیار صادره فتنه و همانست که در توضیح الصاف ها ، خاصه در

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان : انقلابی دگر باید

اصلاحات ارضی ...

ترین شکل ممکن آن (ازجمله اجرای بند ۴ م ، مرکز قادر نخواهد بود که به مسئله ی کشاورزی ایران و مسئله ی وابستگی اقتصادی در این زمینه ، باتوجه به ساخت اقتصادی ایران پاسخی ساده بدهند .

اجرای اصلاحات ارضی اسلامی روشی اساسی و مترقی برای حل مسئله ارضی و کشاورزی نیست . مختصری از دلایل خود را بعداً ارائه خواهیم داد . اماحتی در صورت اجرای این لایحه ، خواسته های توده های دهقانی ، که خواهان گسترش مالکیت زمین و تقسیم عادلانه تر امکانات کشت و زراعت روستایی هستند ، چاره ی عمل بخود نخواهد پوشید و بدین ترتیب لایحه ی مورد بحث از هر دو جهت اشاره شده در فوق انحرافی به حساب میاید .

عواید مالکین تامین میشد ارتباط بیشتری داشته اند و بهرحال ، این امر که پایه های ذهنی انسان بر پیوند شرفی - مالی میبود بین مالکین و عظمای بنا شده است به تنهایی نتواند نتیجه گیری پایسی مادی انگیزه های آنان باشد . وابستگی آنها به بازاریان و بخش تجاری سرمایه داری نیز میتوانست در ایجاد چنین انگیزه هایی دخیل بوده باشند . بهم صورت ما حرکت از سوی دیگر را هرگز فراموش نمیکنیم . تحلیل مارکسیستی به ما می آموزد که سواي ارتباط های مادی شخص ، باید نقش فرهنگ و انگیزش های مذهبی و ایدئولوژیک سیاسی را نیز که از اساق گذشته ریشه میگردند در تحلیل خود بکار ببندیم . میتوان گفت این برجستگان عالم الوهیت و ربانیت این چنین میاندیشند و بدین خاطر میبودشان به مواضع معنوی برای طبقات دارا تبدیل میشود . تجربه نشان نداده است که از میان اینان خیل یاران طبقه ی کارگر و پانسیو زحمتکش و ستم دیدگان برخاسته باشد .

در مقابل جناح مخالف ، جناحهایی ازحاکمیت که رو در روی سایل دهقانی قرار داشته وفشارهای درونی جامعهی روستایی را پیش چشم دارند و در واقع برای بقای حاکمیت نیاز به نچو پاسخ دادن به خواسته های توده ی دهقانی را تجویز میکنند . ازاینجا برای اجرای بند ۴ م و برنامه ریزی میگردند .

مسئله ی دیگری که شاید در اینجا مورد بحث قرار گیرد ، فشارهایی است که اساساً بر سر اجرای این لایحه اعمال میشده و میشود . قلابه این نکته اشاره شد که طرح اصلاحات ارضی اسلامی در ابتدای کار رژیم (طرح رضا اصفهانی) در اصل تلویحی از ماهیت خرده بوروازی ناب بود که شدیداً با پیوستن از ایدئولوژی اسلامی ، که خود را بصورت بخش آیزنستون در مقابل فرهنگ اسلامی فئودالی قرار داده و با بحث دربراهون مسئله مالکیت و آرژنت کار ، مواضع ایدئولوژیک آنستاد میکرد ، ریبی امیخته طرح رضا اصفهانی نمونه برجسته ی این نوع اصلاحات ارضی را به نمایش میگذاشته . در این طرح ، اصل پولنغو مالکیت های بزرگ و ، توسعه کشت شالی در کنار کشت بر روی قطعه زمینهای متعلق به دهقانان ، صاحب زمین کردن خرده سرمایه داران و غیره گذاشته شده بود .

این جناحها عمدتاً درجهاد سازندگی ، برخاسته از هیات های ۷ نفری ، بخش از کارمندان وزارت کشتاوری و غیره متمرکز شده اند . روزنامه های رژیم در یک سال و نیم گذشته ، در هر هفته چندین مقاله و شگایب و بررسی درباره ی لزوم اجرای بند ۴ منعکس کرده و میکنند . شعارهای مربوط بر درخواست اجرای لایحه بودرو دیوار شهر نوشته میشود .

جالب است بدانیم که طرح رضا اصفهانی مورد تأیید و حتی حمایت شدید سازمائی مجاهدین خلق قرار داشته . در اینجا اجرای یک برنامه ی متحدالشکل از طریق شوهای دهقانی و محدود کردن مالکیت بعنوان یک اصل آغاز میشد . بتدریج بقایای گرایشهای فئودالی زیر رهبری تعالیم کدرتشفند

ایدئولوژیستهای توده ای و اکثریتی که موقعیت را برای خلقی جلوه دادن حاکمیت مناسب یافته اند شب و روز مشغول شمار نویسی درباره ی لزوم اجرای بند ۴ میباشند . آنها این پیوسته خود نشان را در آستانه ی رژیم اسلامی سرمایه و بیکی از آمریسن نیروهای ترکش خود را در تطایب خلقی و غیره امپریالیستی خواندن رژیم اجرای بند ۴ میدانند . در این میان دهقانان محروم نیز شب و روز به ارسال تلگرامها و نامه ها و مراجعات مکرر به جبهادین و غیره دل خوش داشته اند .

سرمایه داری اسلامی لایحه ی قلبی را عقب زده ، لایحه تازه ای را که رادیکالیزم لایحه ی قلبی را زود کرده و موضع میانی ، بین این لایحه و مواضع طرفداران مالکیت نامحدود اتخاذ میکرد بعداً آن آورد که ضایع خرده بوروازی برض و سرمایه داری متوسط در آن بیشتر مشغول بود . شعاری انقلاب ترفشار جناح بهشتی از حزب جمهوری اسلامی این طرح را به تصویب رساند و لایحه ی اصلاحات ارضی اسلامی نام گرفت .

جهاد سازندگی بتانسیل انفجار از نزدیک حس میکند صرف نظر از آنکه اعضای آن خود تا حد زیادی از میان اقتدار پائینی جامعه بیرون آمده و آمادگی درک بیمدالتی اجتماعی روستاها را دارند ، بعنوان وابستگان رژیم ضرورت اجرای لایحه را برای بقای خودی بیرون آمدن از خجالت روستائیان و برای تضمین بقای حاکمیت اسلام دائماً تجویز میکنند . اعضای جهاد سازندگی در روستاها هستند و درنیا

این لایحه حاوی فشارهای قطعی برای محدود ساختن اساسی میزان مالکیت بودونی باوصف این ، گماکان با مخالفت بخشی از عظمای اسلام روبرو شد .

به روستائیان وده ی بهبود اوضاع را میدهند اما آنها جبهادین را با این خواسته کلافه کرده اند که اصلاحات روستایی شما ، تا زمانیکه مسئله اصلی ، یعنی مسئله ارضی حل نشده است ، قادر به حل واقعی مشکلات ما نیست . بارها در نوشته های روزنامه ها از قول جهاد گزارش شده است که اهالی

مخالفتها بر پایه ی دفاع از مالکیت نامحدود به عنوان اصل اسلامی شکل میگرفت . حضرات آسات گشایی ، مرضی نجفی ، صادق روحانی و غیره

نمایندگان برجست مخالف با لایحه ، بویژه ، بنیسه ج و در آن بودند . شاید این امر که آقایان بطور سنتی با آن بخش از پیوسته شعوبه که از محل

بعنوان اصلی ترین خواسته شان، خواهان اجرای اصلاحات ارضی هستند. شاید خود نیز درک کرده اند که درغیاب تقسیم اراضی، بیشترین نتیجه ی کارشان باز حاصل نوانفندان روستا خواهد شد و آنجا که این ادراک با فشارهای حق طلبانه ی روستائیان در میامیزد و آنجا که زوزه های نظیر "جهاد فقط به مانعی برای احقاق حق ما مبدل شده است و گرنه چرا به قضیه ی اصلی نمیپردازد" به گوش می رسد، جایی برای سرفراز زبستن روستا و متنگ کردن روستائیان در زیر پرچم اسلام باقی نمانده.

درسال گذشته هیئت عالی مرکب از جنبشی معدوم، منتظری و مشکینی از سوی آیت الله خنی، این "حاشی مستضعفان جهان" مامور بررسی و صدور رای قضیه شدند. نتیجه چنین بود: اجرای بند "و" و "د" فعلا متوقف شود. جناح بندی نوده- ای و آگوستینی از رو رفتند و اینجای آنها نشینتند و موضوع را به یک سیاست خاص که فعلا باید اجرا شود منتسب ساخته و حضرات، خاصه شخص جنبشی را از اتهام صد اصلاحات ارضی بودن صبری ساختند. چنین نوجهی میشد که بهتر است در مقابل فشارهای موجود در جهت عدم اجرای بند "ج" کوتاه آمدن تا آنکه شکافی در صف امت پیش نیاید که به سرافراش نصیب امیرانیم زدرد. البته این موضوع که:

آنوقت احد دفاع از سرمایه داری بهره اثر نصیب چه کسی میشود، سکوت مانده. برای هیئت سه نفری فوق، لازم الاجرا باقی ماند تا آنکه آشکارا گردید که اراده مخالفین لایحه در شورای نگهبان این سنای اسلامی، تلویح یافته است. بحث بسر سر این بود که تصویب لایحه ی اصلاحات ارضی در مجلس، به منظور تقویت و اجرای آن، پس مخالفت فقهای شورای نگهبان روبرو شده و نتوانستند. ظاهر قضیه در آخرین تعویلات حکومتی کویا بیانگر آنست که زیر فشار جناحهای طرفدار اجرای

بند "ج"، آیت الله خمینی سه پیشنهادی اخصرا گرفته و اختیارات ولایت فقیه را به مجلس عویسیمی نموده و بدین ترتیب راه را برای اجرای بند "ج"

باز کرده است. توجه داشته باشیم که آیت الله خنی، بعنوان امام و ولی فقیه، خود زمانی مدافع مالکیت مأمود و مشروم بوده و درصورت پای بندی به قواعد اسلامی هیچ اشکالی بر گسترش مرزهای مالکیت نمیدید. هم او کویا بعدها نتیجه بخشی از محتوای حرکت انقلابی مردم شده و بنابه صلحت اعلام کرده: "ما نه طرفدار فئودال هستیم و نه سرمایه دار". بدینیم از اینکجه در مخالفت با انقلاب سفید شاه، باجه شدتی، اصل تقسیم اراضی را غیراسلامی تشخیص داده بود.

اما ببینیم (وجه خویست که توده ای ها- اکثریتی ها نیز خوب چشم باز کنند) که مجلس چه چیزی را در سر میپرواند. در همان زمانی که بخشی از سرسپردگان "عاطل" رژیم و هواداران "ماکسیست" شان برای اجرای لایحه سینه جاک میدادند (حاضر نبودند نتایج حاصل از اینگونه اصلاحات را حتی مطالعه کنند، و بالاخص اصلاحات ارضی شاه را با آن به مقایسه بگذارند)، تبصره هائی به قانون افزوده شد و سپس به مجلس تقسیم گردید. این تبصره ها در واقع تنها آثار انگشت جناح نماز گزار بسوی قیله مالکیت نبوده، بلکه تمهیداتی هستند که ماهیت اصلی اصلاحات ارضی اسلامی به شمار

میانند. در ظاهر، وزیر کشاورزی از تغییرات "مختصری" در لایحه صحبت میکند. اما واقعیت این "تخصیص مختصر" چیزی جز حفظ حقوق مالکین نیست. دراصل لایحه تبصره ای به نام تبصره ی شماره ی ۴ وجود دارد که ناضر بر ضوابط بیض و چگونگی استفاده از زمینهای مربوط به بند "ج" و "د" میباشد. در این تبصره در ابتدا پیش بینی شده بود که پس از دادن مقدار معینی زمین به زمینداران، مازاد بر آن میان افراد واجد شرایط تقسیم میشود و البته دولت بپای نسق این زمین ها را به مالکین پرداخت میکند (پس از هر دهی های مالک به بیت المال). بهر صورت از آنجا که "سند سرش سرمایه" راه خود را می رود، تغییرات همیشگی مفهوم نسق نیز در لایحه اصلاحات ارضی تغییر یافت و به چیزی تبدیل شد که امکان ساز برداشت غرامت را هرچه فزونی بخشد. در این لایحه

گزارشی از کارخانه صنایع فلزی ایران

این کارخانه زیر نظر سازمان گسترش و نوسازی است. با تعداد بیش از ۱۰۰ کارگر از جمله کارخانه هائی است که کارگران آن اتحاد خود را با میوه و فشار و خفقان در این سالها حفظ کرده اند. همیشگی کارگران علت اصلی جلوگیری از اخراج کارگران مازاد و آگاه آن در طی دو سال و نیم پس از قیام بوده است. کارخانه بدلیل نداشتن مواد اولیه و وجود بیست غلط و ناسالم چندین بار در معرض اختلال در تولید و تعطیل قرار گرفته است. حقوق ۳ ماه کارگران و مزایای آنها همین پرداخت نشده است و فقط مقدار ناچیزی علی الحساب دریافت کرده اند.

بنازگی مدیر عامل حزب الهی - که کویا از سوی جهاد سازندگی آمده - با یک انجمن شورای اسلامی دست به پاکسازی و اخراج کارگران زده است. شخص مذکور - امر جمعی - در روز دوشنبه ۲۰ مهرماه ۱۵ نفر از کارگران کارخانه ی خط ۲ را اخراج کرد. مدیر عامل که چندین لیست چند ده نفری را برای به اصطلاح تصفیه حاضر کرده است دومین لیست را که اعلام اخراج ۱۶ نفر از کارگران کارخانه خط ۱ بود بردیوار زد.

روز بعدسه شنبه ۲۱ مهرماه کارگران این بخش پس از رویت اعلامیه، تصمیم به اعتصاب ارض و گونشالی مدیر عامل و شورای اسلامی ضد کارگری گرفتند. در باقی بعدهمه آنها را کتک زنان به پائین کشیده و خواهان برگشت کارگران اغراقی و حذف لیستها شدند. ساعاتی بعد ۱۲ پائیندار جهت سرکوب همیشگی کارگران بکارخانه آمدند که با اخطار همه جانبه ی کارگران روبرو شدند و اجازه ی دخالت به آنها داده نشد.

گزارش رسیده حاکی است که کارگران اغراقی به کار بازگشته و لیستهای حاضر و آماده ی بعدی فعلا بکار زده شده اند. تنها حمایت کارگران از یکدیگر و همیشگی و مقاومت در مقابل تهرکوسی و اجحافات باند حزب الله و عله اکرهی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی در کارخانجات ضامن بقای زحمتکشان است.

"نسخ" عبارت شده است از "عطکرد عمرانی کسی که به آبادی زمین اقدام کرده است." حال آنکه مفهوم نسخ عبارت از نوی ارتباط سنتی حقوقی با زمین - آب میباشد.

واقعیت این است که گرایش غالب مخالفین اجرای اصلاحات ارضی و بیشترین تاثیر خود را به هنگام تحصیل تبصره ها به قانون باقی گذاشت.

بنابه اولین تبصره: "...ارزش کلیه هزینه های سی که مالک یا مالکین و یا متصرفین قانونی برای عمران و آبادی زمین از مرحلهی موات تا احیاء و شغل شده است... و بنا به همین تبصره: "ارزش تاسیسات و ماشین آلات و ابنیه... به مالک بازپرداخت خواهد شد. دربارهی تاثیرات این قبیل به اصطلاح اصلاحات ارضی برافات اجتنابی روستا در نظرهای بعد صحبت خواهیم کرد اما آنچه به ارزش زمینها و تاسیسات گرانقیمت میسرود بر روی آنها (که در سادترین شکل آن راه نوسازی محاسبه کردیم) واضح است که اگر اصلاحات ارضی بنخواهد فقط تا حدی دامنه بگستراند، صرف نظر از گرایش به انجام یا عدم انجام آن، چه هزینه های عتیقی دربر خواهد داشت. آیا این هزینه ها از خزانه دولت پرداخت خواهد شد؟ کدام خزانه؟ همان خزانه ای که اصال بپیر از ۱۰۰۰ میلیارد ریال کسر بودجه خواهد داشت؟ آیا این هزینه ها از دهقانان بی زمین گرفته خواهد شد؟ از چه چیز آنها؟ آیا زمینها و تاسیسات کسائی داده میشود که از عیدی پرداخت بجای آن برآیند؟ درایین صورت هنوز هم اسم آن اصلاحات ارضی است؟ و بالاخره چه تاثیری بر اقتصاد کشاورزی کشور باقی خواهد گذاشت؟ واقعیتهای سیاسی روز نشان میدهند که حرکت به سمت تامین حقوق مالکین است و نه برعکس. بهرحال اینکه چه شرایطی میتواند به یک اصلاحات ارضی ریشه ای و بدون بازپرداخت فرات بیانجامد جای بحث دارد.

بطور خلاصه علویوم فشارهایی که از سوی اقتصاد محروم روستایی به طرق گوناگون به سرخس از

نمایندگان دولت، که قادر به درک نسبی سبب آنها هستند، وارد شده و به سطح جامعه انعکاس میابد، حاکمیت بطور کلی به پیچیده گرایش به انجام یک اصلاحات ارضی بنهادین، ندارد. از طرف دیگر فشارهای چنانچه ای مستقیماً طرفدار مالکین وجود دارد که بر تعالیات عمیق حاکمیت در جهت راست تاثیر میگذارد. در این سلسله نهادهای وابسته به رژیم اسلامی مثل چهار سازتگی، سپاه، بخش از وزارت کشاورزی به اشکال مختلف ضرورت اصلاحات ارضی را بعنوان یک خواستهی "فراوش نشدنی" بخش وسیع دهقانی کشور طرح میکنند، چه بسیار مقالات که می نویسند و حتی چه بسیار نامه ها که خود به نام روستائیان به روزنامه ها میفرستند و بیداد سنت نامه پراکنی را در میان آنها رواج میدهند. اما واقعیتهای روزمره نشان میدهد که آنها نیز پیر حال، تحت شرایط گوناگون که بی از این ها گرایش های مکتون طبقاتی خودشان است، به همراه راه افتاده اند، و چندان کاری به ایین ندارند که آنچه تصویب میشود از چه محتوایی برخوردار است، چیزی باید به میان روستائیان برده شود. اگر مقیاس متوسط میزان زمین تحت مالکیت عبارت نامعلوم و کندار، بیش از سه برابر عرف محلی باشد، از هم اکنون میتوان پیش بینی کرد که درصد نه چندان زیادی از مالکین "بالا تر از سطح متوسط" شمول این اصلاحات قرار خواهند گرفت. فشارهایی که از سوی نیروها - بگذریم که این تخفیف توده ای - اکثریتی که هر چه را که حاکمیت ولعی عصر بگوید خلقی میدانند - و از سوی اقتدار دهقانی وارد میشوند، هرچه سنگ تر و توانمندتر باشند، بهنگام اجرا درصد بیشتری از مالکین مزبور شمول لایحه قرار خواهند گرفت. اما این نیز به خودی خود حدی دارد.

بطور ضمنی چنین تبلیغ میشود که ایت اللیه خمینی تصمیم قطعی خود را بر سر اجرای بند "ج" گرفته و پس از مدتها سر رواندنبا و کم حلیسی ها به طرفداران اصلاحات ارضی به این نتیجه رسیده است که با اجرای لایحه اساس اسلام، که احترام به مالکیت خصوصی است، نخواهد لرزید و سلسله حفظ حکومت اسلامی است و گرنه مهم نیست که یک روز، در زمان اصلاحات شاه، احکام اولیه اصل باشد و امروز احکام ثانویه. اما حضرات آیات عظام مخالف، با این توجیه گیری ها از میدان بدر نمروند. ولایتی قبل از معرفی به مجلس به عنوان نامزد نیست زوری در نماز جمعه ۲۴ مهرماه به ایراد نطقی پرداخت که در واقع عبارت بود از معرفی جهت حرکت دولت آینده. در همین حال که میگفت "در اسلام مالکیت محترم است، اما افسرد باید بیوهات شرعیه خود را بدهند." میافزود که "حدود مالکیت بسیار دقیق و حساس است" نیز این جمله که "... باید کوشش نمایند امکانهاست خیانتی که برای زندگی این مردم لازمت از اختیار زانو عقناتی که در گنبد نشسته اند، خارج شود. البته او در زمینه های دیگر مانند سیاست خارجیسی سیاست آموزشی و غیره نیز سخن گفت اما حرفهای او در این زمینه ها تنها تکرار حرفهای بقیه ی

بقیه در صفحه ی ۱۳

تصحیح و پوزش

در رهائی شماره ی ۱۰۵ به هنگام تایپ اشتباهاتی رخ داده است که ضمن پوزش به تصحیح آنها میپردازیم:

- ۱- صفحه اولی ستون دوم در عبارت: "...علویوم تمام شرایط عینی و ذهنی در همین عدم حضور و شرکت فعال توده ها در صحنه مبارزه و نبرد نهایی برای سرنگونی رژیم نهفته است..." واژه ذهنی زائد است.
- ۲- صفحه ۶ پاراگراف چهارم بعد از خط دوم عبارت: "... که محتاج جوانان است و کمونیستها برای ایجاد جامعه ای مبارزه میکنند که..." باید اضافه شود.

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

ملایان بودیم. لاجرم برخورد او با مسئله اصلاحات ارضی، و عداوت نظر او درباره اجرای بندج* میتوانست ملاک تساوت اعضای مجلس شورای اسلامی قرار گیرد. این تساوت از جهت شناخت توان روحیه و وارد در جدال مربوط به اصلاحات ارضی نیز مفید واقع گردید. وقتی پیشنهاد نخست وزیری ولایتی با آرای مخالف و متنوع زیادی رد شد. به عبارت دیگر وقتی در اولین حرکت خود جناح خاضه ای - رفسنجانی برخلاف انتظارها بی مهوری، بد خشونت جناح رقیب رویرو شدند، عمو شگاف نیز همان گردید. پیشتر مهدوی گئی، نخست وزیر، در آستانه تقدیم استعفا نامه به رئیس جمهور، (خاضه ای که با ۱۶ میلیون رای اعلام شده بر پشتوانه ۱۳ میلیون رای قلابی تکیه دارد) به ملاقات آقایان گناباتی و مرعشی نجفی، این دو تن آیات عظام عالی مرتبه که در دفاع از اساس اسلام یعنی مالکیت نامحدود

(بر اساس احکام اولیه قران و سنت) با سلب محدود مالکیت زمینداران جدا مخالفت میورزید، رفت بود. اینک اگر جناح اقلیت بازگان، موسوم به لیبرال، را کنار بگذاریم - که خود به ضرب ناسزا و جفاک حزب الله کنار رفتند - میبینیم که مجلس به دوباره تقسیم شده است. این شگاف در آینده بیشتر خواهد شد. جدال بر سر کسب قدرت و بر سر تحصیل بینش های خاص از اسلام، دیگر ازبده بیرون افتاد است. در چنین شرایطی اگر تجربه تلخ نزاع گذشته ی درون حاکمیت از سوی جناح خاضه ای بکار گرفته شده و راه به سوی آشتی هموار شود، این توده های زحمتکش روستاها هستند که تاوان این آشتی گان رایباید بپردازند. اگر جدال آج بگردد، فقط تا آن حد به مستضعفین زمین امتیاز داده خواهد شد که حریف از میدان بسدر برود نه آنقدر که روستائیان طعم بیروزی را در این برهه ی گشتار علی وار ببینند و نه آنقدر که سرمایه داران خودی بربینند (که البته از پیش امتیاز کافی برایشان در ضمن لایحه در نظر گرفته شده است). حتی در صورت بیروزی بر رقیب، آنچه به اجرا درخواهد آمد ضمن تحول اساسی در نظام زمینداری و ریشه گئی فقر مزمن روستائی و بسا بردن بهره رهی زمین و اسعاع بیعدالتی نخواهد بود. در آینده باز هم درباره ی چگونگی اجرای این لایحه، درباره ی عاقبه اصلاحات ارضی اسلامی و شاهنشاهی و بالاخره درباره ی تاثیر اصلاحات ارضی، در چند حالت مختلف، بر سطح تولید کشاورزی بزرگ اقتصاد و پرفاقت اجتماعی روستاها بحث خواهیم کرد.

ادامه دارد